

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره پروانه: 1685	شماره ثبت: 6076450
مدت اعتبار پروانه: 1394/07/30	تاریخ ثبت درخواست: 1394/05/27
عنوان کامل کتاب: عزاداری خفیه	
عنوان کتاب به زبان اصلی:	
مؤلف یا مؤلفان: محدث شجاعی	
مترجم یا مترجمان:	
سایر موارد:	
تعداد صفحه: 208	تألیف: محیی
شماره شابک: 978-964-2720-10-1	تاریخ صدور مجوز: 1394/05/31

- پیشگفتار ..... ۳
- مراتب عزاداری و عزاداران ..... ۵
  - مرتبه اول عزاداری ..... ۵
  - مرتبه دوم عزاداری ..... ۶
  - مرتبه سوم عزاداری ..... ۶
- عزاداری و آفت‌های آن ..... ۷
  - آفت‌های عزاداری در مرتبه سوم ..... ۷
  - مرتبه چهارم (شناخت ائمه معصومین علیهم‌السلام و انواع مصائب آن‌ها) ..... ۹
- رابطه‌های موجود بین مصیبت عظیم و اعظم ..... ۹
  - چهره تلخ مصیبت اعظم ..... ۱۱
  - روش‌های مختلف تشویق به عزاداری توسط ائمه معصومین علیهم‌السلام ..... ۱۱
  - وظیفه ما در قبال مصیبت ..... ۱۲
- مجالس عزاداری در مرتبه چهارم ..... ۱۳
  - مرتبه پنجم عزاداری (عملیات انتقام) ..... ۱۴
- مراحل سه‌گانه عملیات انتقام ..... ۱۶
  - مرحله اول: لعن و برائت زبانی ..... ۱۶
  - مرحله دوم: برائت عملی ..... ۱۷
  - مرحله سوم: جهاد با دشمنان و ضربه زدن به آن‌ها و محدود کردن قدرت آن‌ها تا نابودی کامل شان ..... ۱۹
  - خطر نداشتن روح جهاد اصل اصالت تخصص ..... ۲۰
  - پیوند عزادار حقیقی با منتقم خون حسین در عملیات انتقام ..... ۲۲
- هشدار به خواص و مسئولان نظام ..... ۲۴
  - ظهور امام زمان پایان همیشگی و قطعی مصیبت اعظم و آغاز حاکمیت متخصصان معصوم بر جهان ..... ۲۵
  - گناه رضایت به مصیبت اعظم ..... ۲۶



زیارت قبور مطهر و مقدّس ائمه معصومین (علیهم السلام) و اولیای دین، توسل به آنها و سوگواری در ایام شهادت و نیز بزرگداشت ایام میلادشان، و ایامی که به نحوی به آن انوار طیبه مربوط است، به خصوص در مورد وجود مقدّس سیدالشهداء، از مهم‌ترین موضوعاتی است که در فرهنگ اسلامی، جایگاه بسیار رفیعی دارد؛ هر چند سایر فرهنگ‌ها نیز از آن بی‌بهره نیستند.

بررسی آیات و روایات، این حقیقت را نشان می‌دهد که هیچ خلقی نزد خداوند تبارک و تعالی محبوب‌تر از محمد و آل محمد (علیهم السلام) وجود نداشته و ندارد. همه آنها نور واحد هستند و یک حقیقت بیشتر نیستند.

با وجود این، حضرت سیدالشهداء به دلیل شرایط زمانی و مکانی خاص خود و به دلیل مأموریت ویژه‌ای که از سوی خداوند تبارک و تعالی به عهده داشته، دارای درخشش و تجلی خاصی است و همین تجلی و درخشش خاص برای ایشان موقعیتی ویژه در قلب همه انسان‌ها به خصوص مؤمنین ایجاد کرده است.

به دلیل جایگاه خاص و نقشی که امام حسین (علیه السلام) و عزاداری ایشان در هدایت انسان‌ها به راه مستقیم الهی دارد، خداوند تبارک و تعالی اراده کرده است که نام مقدس و حماسه او در طول تاریخ زنده بماند و در همه اقوام و ملل و نقاط مختلف جهان عزاداری او برپا باشد.

هیچ عملی به اندازه اقامه عزاداری برای امام حسین (علیه السلام)

در حفظ دین از انحراف و هجوم بی‌امان دشمنان اسلام برای نابودی دین و همچنین توسعه فرهنگ دینی مؤثر نبوده و نیست.

متأسفانه عزاداری‌ها با همه اهمیت و جایگاه مهمی که در فرهنگ اسلامی دارند، در طول زمان دچار آفت‌ها، خطرات و انحرافات شده است که نقش این «وسیله» مهم را تا حدودی کم‌رنگ کرده است.

این آفت‌ها موجب شده تا عزاداری‌ها و اساساً بزرگداشت‌ها، نتوانند همه کارکردها و توانایی‌های خود را بروز دهند. به عبارت دیگر، برگزارکنندگان این مجالس نتوانسته‌اند از همه آثار مقدس و مهمی که مورد توجه و مقصود خداوند و اولیای دین در سفارش حکیمانه و اکیدشان به برپایی چنین مجالسی بوده است، بهره لازم و کافی را ببرند.

قدرت سازندگی و آثار یک عزاداری صحیح و منطبق با هدف اصلی قیام سیدالشهداء به قدری زیاد است که اگر عزاداران حسینی از این «وسیله» بسیار قدرتمند استفاده لازم و صحیح می‌کردند و مانع نفوذ این همه آفت‌ها در آن می‌شدند، جامعه اسلامی و جهان اسلام وضعیتی کاملاً متفاوت با وضع کنونی می‌داشت.

❁ اگر شیعیان به پیام‌های عاشورا توجه جدی می‌کردند و از آن به خوبی الگو می‌گرفتند، امروز به پیشرفته‌ترین جامعه از لحاظ مادی و معنوی تبدیل شده بودند و این همه مشکلات و معضلات گوناگون، جامعه اسلامی را رنج نمی‌داد.

هیچ دینی و هیچ ملتی در جهان، چنین «وسیله» قدرتمندی را برای پیشرفت و سعادت در دست ندارد. افسوس که جامعه اسلامی به‌خوبی از این «وسیله» قدرتمند استفاده نکرد.

افسوس که تنها بهره کمی از این سرمایه گذاری عظیم، نصیب اسلام و مسلمین و نیز هدف اصلی قیام امام حسین (علیه السلام) می شود.

به عبارت دیگر، تنها بخش کوچکی از این میلیاردها ساعت وقت و میلیاردها تومان بودجه با هدف اصلی عزاداری و مقاصد مهمی که اهل بیت (علیهم السلام) از ترغیب و تأکیدشان به اقامه عزا و برپایی مجالس بزرگداشت آنها داشتند، منطبق است.

جامعه اسلامی در هیچ زمانی مانند زمان کنونی نیازمند استفاده از قدرت عظیم و بی نظیر مجالس عزا و بزرگداشت ائمه معصومین (علیهم السلام) و استفاده دقیق و درست از درس ها و پیام های عاشورا نیست.

## مراتب عزاداری و عزاداران



عزاداران، همانند مؤمنان دارای درجات و مراتب مختلفی هستند که هر مرتبه، درجه و جایگاه عزادار را در نظام انسانیت و در نزد خداوند و نیز میزان قرب او را به سیدالشهداء نشان می دهد.

البته تمامی درجات عزاداری دارای اجر و ثواب الهی است و هر مرتبه خیر و ثوابی را نصیب عزادار می کند.

### ◀ مرتبه اول عزاداری

در این مرتبه، عزادار در قلب خود از مصیبت وارده به سیدالشهداء غمگین و ناراضی است؛ بدون اینکه غم و ناراضیتی خود را معمولاً بروز دهد. این مرتبه، کمترین درجه عزاداری است؛ و پایین تر از آن، مرتبه دشمنان حضرت است، یعنی مرتبه ای که شخص به مصائب

حسینی آگاه شود و ناراحت نگردد و به آن راضی باشد. کسانی که در مرتبه اول عزاداری هستند، از هر دین و آیینی که باشند، به خاطر اندوه قلبی‌شان برای مصیبت امام حسین (علیه السلام) در نزد خداوند از ثواب و پاداشی به تناسب عقیده‌شان برخوردار خواهند بود.

## ◀ مرتبه دوم عزاداری

در این مرتبه، عزادار غم و نارضایتی خود را به شکل‌های گوناگون از قبیل گرفتگی چهره، گرفتن حالت بغض و اندوه (تباکی)، گریه کردن، پوشیدن لباس عزا، به سینه و سر زدن و... بروز می‌دهد و در این کار، گاهی تنها و گاهی به همراه دیگران عزاداری می‌کند.

گرایش عزاداران کلیمی، مسیحی و پیروان سایر مذاهب -که برای امام حسین (علیه السلام) گریه می‌کنند- و نیز احساسی که به آن حضرت دارند، نشان‌دهنده این حقیقت است که حضرت برای آن‌ها یک «غریب آشنا» است. حقیقت این است که همه ائمه معصومین (علیهم السلام) به خصوص وجود مقدس سیدالشهداء در وجود همه انسان‌ها حضور و پرتویی دارند که توضیح آن در مرتبه چهارم عزاداری در کتاب «عزادار حقیقی» آمده است.

## ◀ مرتبه سوم عزاداری

در این مرتبه که شیعیان حضرت، بیشترین اعضای آن را تشکیل می‌دهند، عزادار تنفر و اعتراض خود را نسبت به عاملان مصیبت و جنایت‌کاران در حق سیدالشهداء و یارانش و به‌طور کلی همه اهل بیت (علیهم السلام) اظهار می‌کند و بر آن‌ها لعن و نفرین می‌فرستد؛ آنچه موجب شده که عزادار از مرتبه دوم به مرتبه سوم ترقی کند، شناخت و معرفتی است که عزادار به وجود مقدس سیدالشهداء پیدا کرده و

اعتقاد بالاتری است که نسبت به آن حضرت و آیین او یافته است. در این مرتبه، عزاداری به نیت کسب ثواب، برآورده شدن حاجت‌ها و عرض ادب صورت می‌گیرد. از بررسی این سه مرتبه به خوبی دانسته می‌شود که عنصر اصلی در این مراتب، عنصر «عواطف و احساسات» است. بررسی دقیق آثار هنری، نوحه‌ها و اشعار عاشورایی به خوبی نشان می‌دهد که عزاداری در این سه مرحله غالباً در سطح عواطف و احساسات است و عزادار به مراحل بالاتر راه پیدا نکرده است.

## عزاداری و آفت‌های آن



در اینجا باید اعتراف کنیم که حذف شدن عنصر «معرفت» از عزاداری‌ها و محوریت مسائل عاطفی و تکیه بر ظواهر و رها کردن فلسفه و حکمت عزاداری‌ها و بزرگداشت‌ها، و نیز تبدیل شدن گریه و سوگواری از «وسیله خوب و کارآمد» به یک «هدف اصلی» موجب شده که این گونه مجالس خاصیت و کارکرد اصلی خود را از دست بدهد.

### آفت‌های عزاداری در مرتبه سوم



متأسفانه در مرتبه سوم، تحریف‌ها، روش‌های ناپسند و بدعت‌های خطرناکی که با فلسفه عزاداری و روح حماسه حسینی در تضاد هستند، به وجود آمده است. یکی از دلایل عمده و اصلی این گونه روش‌ها، بدعت‌ها و تحریف‌ها، همان متوقف ماندن این مرتبه از عزاداری در سطح احساسات و اتکای محض به گریه و عواطف است. در این مرتبه، گریه کردن و گریاندن - و نه چیز دیگر - نقش اصلی را دارد و انگیزه اصلی عزاداری است و جنبه‌های

و جنبه‌های حماسی و معرفتی یا اصلاً سهمی ندارند و یا سهمی بسیار ناچیز دارند؛ زیرا در این مرتبه، بیشتر تشریح چگونگی حادثه عاشورا اهمیت دارد، نه درس‌ها و پیام‌های آن. بدیهی است که وقتی گریه کردن و گریاندن علت و هدف اصلی عزاداری شد، شیطان و نفس و سوسه‌گر، در دروغ‌پردازی و تحریف و نیز اختراع حرکات، روش‌ها و اشعار ناپسند و غیرمنطبق با حقیقت دین و قیام امام حسین (علیه السلام) تأثیرگذار هستند.

در این مرتبه بُعد عاطفی، گریه و سوگواری جای حماسه، عمل و معرفت را گرفته است. از این رو هیچ خطری از این مجالس، دشمنان امام حسین و امام زمان (علیه السلام) را تهدید نمی‌کند. به همین علت در طول تاریخ، طاغوت‌ها و ستمگران نه تنها از این مجالس ترس نداشتند، بلکه خود نیز به برپایی چنین مجالسی اقدام می‌کردند تا با عوام‌فریبی، باطن زشت و ظلم‌های خود را در پشت صورت مقدس عزاداری سالار شهیدان بپوشانند.

به جز این دو گروه یعنی دوستان و شیعیان نادان و حاکمان ظالم و مدعی محبت اهل بیت (علیهم السلام)، دسته سوم نیز از این گونه مجالس کم خاصیت و تحریف شده سود می‌برند، و آن گروه کفار و مستکبرین هستند که از مجالس عزاداری حقیقی و بصیرت‌بخش عزاداران حقیقی، ضربه‌های مهلک و کوبنده‌ای خورده‌اند.

چنین دشمنی با توطئه و دسیسه‌های مختلف و صرف هزینه‌های هنگفت سعی در تغییر مسیر عزاداری‌ها و بزرگ کردن بُعد سوگواری و عاطفی آن و از بین بردن بُعد معرفتی و حماسی آن کرده و می‌کند.



## ◀ مرتبه چهارم (شناخت ائمه معصومین علیهم السلام و انواع مصائب آنها)

اساساً آنچه عزادار را از مرتبه سوم که مرتبه «مشترک» بین مسلمین و غیرمسلمین است، بالاتر می‌برد و در گروه عزاداران و شیعیان حقیقی ائمه معصومین علیهم السلام قرار می‌دهد، صفای باطن و بالا رفتن میزان محبت و معرفت او نسبت به حقایق جهان است.

عزادار در مرتبه سوم با تجلیات گوناگونی از عظمت امام حسین علیه السلام و خاندان و اصحابش آشنا می‌شود. در این حال، احساس می‌کند که ماندن در مرتبه سوم او را اشباع و راضی نمی‌کند و به همین خاطر در این مرتبه عطش و ظرفیت بیشتری برای درک عظمت محمد و آل محمد علیهم السلام و به خصوص سیدالشهداء در خود احساس می‌کند که دیگر توجیه‌ها و توضیح‌های مداحان و بعضی گویندگان و نویسندگان که خود نیز در مرحله سوم قرار دارند، روح تشنه او را سیراب و قانع نمی‌کند، چرا که آنها به اندازه فهم خود، از امام حسین و سایر ائمه معصومین علیهم السلام می‌گویند و می‌خوانند؛ ولی عزادار به خوبی و به درستی احساس می‌کند که حقیقت، بالاتر از چیزی است که آنها می‌گویند. در این حال، تلاش او برای رسیدن به معرفت جدید و عمق بیشتر آغاز می‌شود و برای برطرف کردن عطش خود به معرفت جدید و رفع مجهولاتش، حرکت می‌کند.

### رابطه موجود بین مصیبت عظیم و اعظم

«عزادار حقیقی» در سایه معرفتی که از منابع اصیل اسلامی و با راهنمایی علمای دین‌شناس به دست آورده، به درک دو نوع «مصیبت» برای حضرات معصومین علیهم السلام،

به خصوص وجود مقدس سیدالشهداء، نایل می‌شود که یکی از دیگری بزرگتر است.

**(الف)** مصیبت عظیم، یا همان مصیبتی که به وجود مقدس و نورانی آن‌ها رسیده است، یعنی جنایت‌ها و ظلم‌هایی که در به شهادت رساندن آن‌ها و خاندان مکرم‌شان بر آنان وارد شده است.

**(ب)** مصیبت اعظم، یا همان مصیبتی که به جامعه انسانی در طول تاریخ به علت محرومیت از حقیقت دین و نیز محرومیت از وجود مقدس رهبران الهی، به خصوص امام معصوم (علیه السلام) وارد گردیده است. این مصیبت به علت کنار گذاشته شدن ائمه معصومین (علیهم السلام) از مقام و مرتبه‌ای است که خداوند برای آنان در رهبری و هدایت جامعه انسانی در نظر گرفته است.

هر دو مصیبت بزرگ و تلخ هستند، ولی مصیبت ناکامی رهبران الهی در حاکم کردن دین خدا در روی زمین و مصیبت محرومیت مردم جهان از حاکمیت رهبران معصوم و متخصص الهی بزرگتر است؛ زیرا تن دادن رهبران الهی و پیروان آن‌ها به مصیبت عظیم و تحمل انواع گوناگون مصیبت عظیم برای «جلوگیری» از وقوع مصیبت اعظم بوده است، در حالی که تحمیل مصیبت عظیم بر رهبران الهی و سایر فطرت‌گراها، از سوی طاغوت‌ها و ظالمین به خاطر «ایجاد» مصیبت اعظم بوده است.

فطرت‌گراها، مصیبت عظیم را به جان خریده‌اند تا «مانع» مصیبت اعظم شوند و با آن مبارزه کنند. ولی طبیعت‌گراها مصیبت عظیم را ایجاد و تحمیل کرده‌اند تا راه برای مصیبت اعظم باز شود. مصیبت اعظم یعنی دوری مردم از دین خدا و آلوده شدن به کفر و شرک و نفاق.

## ◀ چهره تلخ مصیبت اعظم

چهره تلخ مصیبت اعظم در همه آثاری که از محرومیت جامعه بشری از رهبری و حاکمیت متخصصان معصوم (علیهم السلام) به وجود آمده، نمایان است. همه جنگ‌ها، ظلم‌ها، فسادها، تباهی‌ها و نکبت‌هایی که دامن جامعه بشری را در طول تاریخ گرفته است، ناشی از مصیبت اعظم بوده و هست.

## ◀ روش‌های مختلف تشویق به عزاداری توسط ائمه معصومین (علیهم السلام)

به همین دلیل است که ائمه معصومین (علیهم السلام) به گریه بر خود و اقامه مجالس عزا برای سایر اهل بیت (علیهم السلام) امر کرده‌اند و خود نیز عملاً با گریه و اقامه مجالس عزا اهمیت این امر را نشان می‌دادند و آن را در جامعه اسلامی تثبیت می‌کردند.

پیامبر ﷺ خطاب به دختر گرامی‌شان چنین فرمودند:

«يَا فَاطِمَةُ! كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا عَيْنَ بَكْتِ عَلِيٍّ مُصَابِ الْحُسَيْنِ فَإِنَّهَا ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ بِنَعِيمِ الْجَنَّةِ؛ فاطمه جان! روز قیامت هر چشمی گریان است؛ مگر چشمی که در مصیبت و عزای حسین (علیه السلام) گریسته باشد، که آن چشم در قیامت خندان است و به نعمت‌های بهشتی مژده داده می‌شود.»<sup>۱</sup>

حضرت سجاد (علیه السلام) می‌فرمایند:

«أَيُّمَا مُؤْمِنٍ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ دَمْعَةً حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدِّهِ بَوَّاهُ اللَّهِ بِهَا فِي الْجَنَّةِ عُرفاً؛ هر مؤمنی که چشمانش برای کشته شدن حسین بن علی (علیه السلام) اشکبار شود و اشک بر صورتش جاری گردد، خداوند او را در غرفه‌های بهشتی جای می‌دهد.»<sup>۲</sup>

۱. مجلسی، بحار الانوار، جلد ۴۴، ص ۲۹۳.

۲. همان، ص ۲۸۵.

امام صادق (علیه السلام) نیز می‌فرماید:

«مَنْ ذَكَرْنَا عِنْدَهُ فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ حَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَلَى النَّارِ؛

نزد هر کس که از ما (و مظلومیت ما) یاد شود و چشمانش پر از اشک گردد، خداوند چهره‌اش را بر آتش دوزخ حرام می‌کند.»<sup>۱</sup>

امام رضا (علیه السلام) نیز می‌فرماید:

«فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ فَإِنَّ الْبُكَاءَ عَلَيْهِ يَحُطُّ

الدُّنُوبَ الْعِظَامَ؛ گریه‌کنندگان باید بر کسی همچون

حسین (علیه السلام) گریه کنند، چرا که گریستن برای او،

گناهان بزرگ را فرو می‌ریزد.»<sup>۲</sup>

عزاداری؛ بهترین، مهمترین و قوی‌ترین وسیله برای زنده

نگه‌داشتن دین حق و برقراری پیوند مردم با رهبران الهی

است. به‌طوری که هیچ جایگزینی که بتواند جای آن را از نظر

قدرت و گستردگی شعاع تأثیر بگیرد، وجود ندارد.

گریه و عزاداری؛ طبیعی‌ترین عکس‌العمل در قبال مصیبت

عظیم است.

## ◀ وظیفه ما در قبال مصیبت اعظم

وظیفه اصلی ما در قبال مصیبت اعظم، «انتقام» است؛

انتقام از کسانی که جامعه جهانی را از پدر حقیقی خود و امام

و متخصص معصوم محروم کرده‌اند.

دعا و شعار ما در این مرحله این است که بگوییم:

«جَعَلْنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ

مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)؛ خداوند ما و شما را از انتقام گیرندگان حسین

همراه ولی خودش مهدی از آل محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) قرار دهد.»<sup>۳</sup>

بنابراین، وظیفه اصلی شیعه و شعار اصولی او در برخورد با

۱. مجلسی، بحار الانوار، جلد ۴۴، ص ۲۸۵.

۲. همان، ص ۲۸۴.

۳. شیخ قمی، مفاتیح الجنان، اعمال روز عاشورا

مصیبت اعظم، همراهی با منتقم اصلی در عملیات انتقام است که باید تحقق یابد. حال می‌گوییم اگر به این وظیفه که بسیار مهم‌تر از وظیفه‌ای است که در قبال مصیبت عظیم داریم، عمل نکنیم، نهایت بی‌وفایی و قساوت را در حق آن‌ها روا داشته‌ایم و به وظیفه رحمت نسبت به پدرانمان که پیامبر ﷺ بر ما واجب کرده و نیز نسبت به وظیفه مودّتی که قرآن کریم بر ما واجب نموده است، عمل نکرده‌ایم.

❁ نمی‌توان به امام زمان (علیه السلام) گفت که ما در مصیبت عظیم همراه تو برای جدّ غریبت گریه می‌کنیم ولی در مصیبت اعظم از همراهی تو برای انتقام و بازگرداندن «خون خدا» به پیکر جامعه معذور و معاف هستیم، آنچه که حضرت در این مرحله از ما می‌خواهد شرکت در عملیات انتقام است نه صرف گریه و عزاداری.

عزادار در مرتبه چهارم با دست یافتن به معرفت‌های جدیدتر و بالاتر، دارای «روح انتقام» از کسانی می‌شود که معصومین را از مقام و جایگاهی که خداوند برای آن‌ها در نظر گرفته است، کنار زدند و همچنین انتقام از کسانی که غاصبان «مقام امامت و هدایت» جامعه را در تحمیل این بزرگترین جنایت بر مردم جهان یاری کردند.

عزادار در این مرحله، گریه کردن و گریاندن را هر چند وظیفه مهمی هستند، کافی نمی‌داند. او در سایه مودّتی که پیدا کرده است به مقام عضویت در حزب امام حسین (علیه السلام) که همان «حزب الله» است، نائل می‌شود.

### ❁ مجالس عزاداری در مرتبه چهارم

عزاداری در این مرتبه وسیله‌ای برای احیا و حفظ ارزش‌های مقدس است که اهل بیت (علیهم السلام) به خاطر آن‌ها به شهادت رسیدند.

این مراسم از دروغ، حرام، تحریف و اختلافات به دور است و مردم با شرکت در این مجالس بیش از پیش با دین و وظایف خود آشنا می‌شوند.

مجالس عزاداری و بزرگداشت ائمه معصومین (علیهم‌السلام) در مرتبه چهارم محل «شناخت و نیز پیدا کردن روح انتقام» است. در این مجالس شخصیت الهی سیدالشهداء و جایگاه او در نظام خلقت مورد توجه و شناخت قرار می‌گیرد. معنای «ثارالله بودن و عامل حیات بودن» آن حضرت برای اسلام، در کیفیت برگزاری مجالس عزا بسیار مهم و مورد توجه خواهد بود. از نظر عزادار حقیقی در مرتبه چهارم، اصیل‌ترین و بهترین مجلس عزاداری، مجلسی است که بتواند روح حسینی و سنخیت با وجود مقدس امام حسین (علیه‌السلام) را در عزادار به وجود آورد.

### ◀ مرتبه پنجم عزاداری (عملیات انتقام)

عزادار در این مرتبه که مرتبه کامل شده همان مرتبه چهارم است از صفای باطن بالاتر و معرفتی عمیق‌تر برخوردار است. در این مرتبه «عزادار حقیقی» در سایه معرفت بالاتری که تحصیلی کرده است به مودّت نسبت به اهل بیت (علیهم‌السلام) و نیز به حسّ انتقام نسبت به دشمنان آنها دست یافته است. بنابراین، بیشتر به «عمل» روی می‌آورد؛ عملی که زاییده مودّت و مبتنی بر عقیده و بینش عمیق و الهی است. عزادار حقیقی کسی است که اگر برای مصیبت عظیمی که بر امام حسین (علیه‌السلام) وارد شده است، گریه و ناله سر می‌دهد، در برابر مصیبت اعظم بیشتر عزادار است.

رسول اکرم ﷺ فرمودند:

«إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا»

درستی که برای قتل حسین (علیه‌السلام) حرارتی در دل‌های مؤمنان

است که هرگز سرد نمی‌شود.<sup>۱</sup>

عزادار حقیقی اگر از کشته شدن حضرت و اصحابش که مصیبت عظیم است، آتش و حرارتی سرد نشدنی در دل دارد، از کنار گذاشته شدن حضرت از مقامی که خداوند برای او ترتیب داده بود، به مراتب بیشتر می‌سوزد؛ زیرا در وجود او نفخه و روح حسینی قرار دارد. او فرزند حقیقی سیدالشهداء است که خداوند او را ولی‌دم آن حضرت قرار داده است، در دل او آتش کینه و انتقامی هست که هرگز خاموش نمی‌شود و همین آتش کینه مقدس از دشمنان خدا و انسانیت است که او را به مرتبه پنجم عزاداری یعنی مرتبه عملیاتی شدن و جهاد و مبارزه با دشمنان حسین (علیه السلام) وارد می‌سازد.

دعای او در این مرحله همان‌طور که در زیارت عاشورا و سایر زیارات به او تعلیم شده، این است که:

«فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَ أَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ؛ از خدایی که تو را گرامی داشت و مرا هم به وسیله تو گرامی داشت، می‌خواهم که خون‌خواهی تو را همراه امام منصور از اهل بیت محمد - که درود خداوند بر او و خاندانش باد - روزی من گرداند.»<sup>۲</sup>

و در فقره دیگری خطاب به سیدالشهداء چنین عرض می‌کند:

«فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَ أَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي مَعَ إِمَامٍ هُدًى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ؛ از خدایی که... می‌خواهم خون‌خواهی خودم را همراه امام هدایت‌ظاهر شوندۀ ناطق به حق که از شماست، نصیب من گرداند.»<sup>۳</sup>

مرتبه پنجم، مرتبه عملیاتی شدن و اقدام علیه دشمنان دین و اهل بیت (علیهم السلام) و عاملان مصیبت اعظم است. به عبارت دیگر،

۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸.

۲. شیخ قمی، مفاتیح الجنان، زیارت عاشورا.

۳. همان.

لازمه این مرتبه، فهم درست از مصیبت اعظم است. مصیبت اعظم هیچ عکس‌العملی جز جهاد و مبارزه نمی‌طلبد.

## مراحل سه‌گانه عملیات انتقام

آنچه در عملیات انتقام بر عزادار واجب است همان‌طور که از نام این مرحله پیداست، انجام یک سلسله عملیات است؛ یعنی وظیفه‌ای فراتر از قلب و احساس و عقل و ادراک بر عهده اوست.

آنچه از مجموع تعالیم قرآن کریم و ائمه معصومین علیهم‌السلام به‌دست می‌آید، این است که مؤمن در این مرحله سه وظیفه عملی بر عهده دارد که به‌ترتیب عبارتند از: لعن و برائت زبانی، برائت عملی، جهاد با دشمنان.

### مرحله اول: لعن و برائت زبانی

از آنجا که قطع یا ضعیف کردن رابطه با خداوند و ائمه معصومین علیهم‌السلام بزرگترین جنایت و خیانت در زندگی آدمیان است، تمامی کسانی که در طول تاریخ بشر تاکنون در این جنایت و ظلم بزرگ دست داشته‌اند، خداوند و پیامبران و فرشته‌های الهی، آن‌ها را مورد لعن قرار داده‌اند.

لعن به معنای دور بودن از رحمت و هدایت الهی و جدا بودن از راه خوشبختی است. مسلم است کسانی که دست خود و دیگران را از دست خداوند و دامان رهبران معصوم علیهم‌السلام جدا کرده‌اند، خود و دیگران را از رحمت و هدایت محروم و از راه خوشبختی دور کرده‌اند، ملعون هستند. شخص ملعون یعنی شخصی که از مسیر هدایت صحیح منحرف شده است و به بیراهه می‌رود.

معنای دیگر لعن در اصطلاح مردم که به معنای اول بازمی‌گردد، طلب عذاب و نفرین برای عاملان چنین جنایت



عظیمی است. دلیل چنین لعن و نفرینی بسیار روشن است و آن، تنفّر برحقّی است که هر کس از عامل این خیانت در درونش ایجاد می‌شود.

اعلام برائت زبانی کمترین کار در مراحل عملیات انتقام است که خود بسیار کار بزرگ و مهمی است. این مرحله دارای آثار مهم و متعددی است که در اینجا فرصت پرداختن به آن نیست. شاید نتوان هیچ زیارتی از زیارت‌های وارده از اهل بیت (علیهم‌السلام) را یافت که در آن دشمنان مورد لعن و برائت زبانی قرار نگرفته باشند. در قرآن کریم نیز دشمنان دین خدا بارها و بارها مورد لعن و نفرین قرار گرفته‌اند.

در زیارت عاشورا و بسیاری از زیارت‌های ائمه معصومین (علیهم‌السلام) هر جا اعلام محبت و ولایت است، اعلام برائت و دشمنی با دشمنان آنان نیز هست.

کسی که اهل لعن دشمنان کنونی امام زمان (علیه‌السلام) نیست و نمی‌تواند کینه مقدس و دشمنی خود را با آن‌ها به‌طور صریح اعلام کند، باید در دوستی و ایمان خود نسبت به آن‌ها شک کند. در این سال‌ها بسیار شاهد بودیم که عده‌ای به ظاهر مؤمن و متدین، مردم را به بهانه‌های واهی از اعلان برائت زبانی و لعن نسبت به شیطان بزرگ آمریکا و سایر قدرت‌های جهانی که منشأ همه جنایت‌ها و نیز دشمن درجه یک اسلام و امام زمان (علیه‌السلام) هستند، بازداشته و می‌دارند و به‌خصوص ملت را از شعار «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» منع می‌کنند. همچنین بسیار دیده شده و می‌بینیم که عده‌ای مقدس‌نما با مراسم اعلان برائت در حج مخالفت می‌کنند.

### مرحله دوم: برائت عملی

برائت عملی یعنی دوری کردن از فرهنگ و تسلط فرهنگی دشمنان و پرهیز از اخلاق و عقاید آنان.

بدیهی است که ابراز محبت نسبت به اهل بیت (علیهم‌السلام) با پذیرش

فرهنگ و اخلاق دشمنان آنان سازگار نیست. امام صادق (علیه السلام) در این باره می‌فرمایند:

«نَحْنُ أَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ وَ مِنْ فُرُوعِنَا كُلِّ بِرٍّ فَمِنْ الْبِرِّ التَّوْحِيدُ وَ الصَّلَاةُ وَ الصِّيَامُ وَ كَظْمُ الْغَيْظِ وَ ... وَ عَدُوْنَا أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ وَ مِنْ فُرُوعِهِمْ كُلِّ قَبِيحٍ وَ فَاحِشَةٍ فَمِنْهُمْ الْكِذْبُ وَ الْبُخْلُ وَ النَّمِيمَةُ وَ الْقَطِيعَةُ وَ أَكْلُ الرِّبَا وَ ... فَكَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ مَعَنَا وَ هُوَ مُتَعَلِّقٌ بِفُرُوعٍ غَيْرِنَا؛ ما اصل هر خیر - و خوبی - هستیم و هر چه خوبی است از فروع ماست. در شمار خوبی‌هاست: توحید و نماز و روزه و فرو بردن - غلبه بر خشم و... - و دشمنان ما ریشه هر بدی هستند و هر چه پلیدی و زشتی است از فروع آن‌هاست. پس از آن‌هاست دروغ و بخل و سخن‌چینی و قطع رحم و رباخواری و...؛ بنابراین دروغ گفته هر کس که می‌پندارد با ماست - و از ماست - در حالی که به فروع غیر ما - و بدی‌ها - تعلق دارد.»<sup>۱</sup>

آری! دروغ می‌گوید کسی که خود را از اهل بیت (علیهم السلام) می‌داند ولی اخلاق دشمنان آنان را دارد و با گرفتن و دادن ربا، بداخلاقی، بددهنی، سخن‌چینی و نیز با گرانفروشی، بخل، تقلب و فریب با شیعیان آنان رفتار می‌کند. دروغ می‌گوید کسی که خود را محبّ اهل بیت (علیهم السلام) می‌داند و اهل برائت از دشمنان دین و فرهنگ فاسد و ضد بشری آن‌ها نیست و با بدحجابی، بی‌حجابی، بی‌نمازی و بی‌غیرتی نسبت به ناموس و نیز تربیت غیرمذهبی و غلط فرزندان، خون به دل امام زمان (علیه السلام) و سایر اهل بیت (علیهم السلام) می‌کند. دروغ می‌گوید کسی که خود را دوست‌دار اهل بیت (علیهم السلام) می‌داند و بالای درب منزل خود پرچم «یا حسین» را نصب می‌کند و برای اقامه عزای اهل بیت (علیهم السلام) منزل خود را سیاه‌پوش می‌کند و خود نیز در ایام عزای اهل بیت (علیهم السلام) لباس سیاه بر تن می‌کند، اما در

دل، محبت به دشمنان امام زمان (علیه السلام) و شیفتگی نسبت به آنها و فرهنگ کثیفشان را می‌پروراند و در بالای بام منزلش عَلمِ بندگی و اسارت فکری و فرهنگی نسبت به دشمنان یعنی آنتن ماهواره را نصب کرده است.

محبت با ضعف برائت و ضعف در دشمنی با فرهنگ دشمنان سازگار نیست. امام صادق (علیه السلام) در جواب کسی که به ایشان گفت: فلانی شما را دوست دارد ولی در برائت از دشمنان شما ضعیف است، چنین فرمودند:

«هَيْهَاتَ! كَذَبَ مَنْ ادَّعَى مَحَبَّتَنَا وَ لَمْ يَتَبَرَّأْ مِنْ عَدُوِّنَا؛ هرگز! دروغ می‌گوید کسی که ادعای دوستی ما را می‌کند و از دشمن ما برائت نمی‌جوید.»<sup>۱</sup>

**مرحله سوم: جهاد با دشمنان و ضربه زدن به آنها و محدود کردن قدرت آنها تا نابودی کاملشان**

### \* نکاتی در بصیرت دینی:

در توضیح تکمیلی مراحل سه‌گانه عملیات انتقام، تذکر این نکات ضروری است که با توجه به شرایط حساس کنونی جامعه جهانی به ویژه عالم اسلام و همچنین با عنایت به فتاوا و فرمایشات اخیر ولی امر مسلمین مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) لازم است از «لعن» و به خصوص «دشنام» نسبت به مقدسات و بزرگان دیگر فِرَقِ اسلامی جداً پرهیز شود. چراکه به عقیده ایشان: «هر حنجره‌ای که به وحدت دنیای اسلام دعوت کند، حنجره الهی است، ناطق من الله است و هر حنجره و زبانی که ملت‌های مسلمان را، مذاهب اسلامی را، طوایف گوناگون اسلامی را به دشمنی با یکدیگر تحریک کند و عصبیت‌ها را علیه یکدیگر تحریک کند، ناطق من الشیطان است.»<sup>۲</sup>

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۵۸.

۲. رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه‌ای مد ظله العالی، جلسه دیدار با شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم سال ۱۳۹۲

عزادار حقیقی که منتظر جان فشانی در عملیات انتقام در رکاب امام زمان (علیه السلام) است، در دوران غیبت همواره تابع فرامین نائب آن حضرت یعنی ولی فقیه است. از این رو ضمن شعله ور نگاه داشتن آتش بغض و کینه نسبت به دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) در دل و حفظ آمادگی و روحیه جهاد و شهادت طلبی در خود، هیچ گاه دست به اقدامی خودسرانه و به دور از حکمت و مصلحت تمامیت اسلام و جامعه مسلمین نمی زند.

بصیرت دینی در نگاه او، نقاب نفاق را از چهره مدعیان دروغینی که به نام اسلام اما به کام دشمنان و امام زمان (علیه السلام) مزدوری می کنند، کنار زده و او را به درک این مهم نائل ساخته که این جماعت در لباس سلفی گری و تکفیر، به ظاهر علم جهاد با شرک افراشته اند اما در واقع دست شان به خون ناحق ریخته هزاران مسلمان مظلوم و مستضعف در اقصی نقاط بلاد اسلامی آلوده است و این ها، همان یزیدیان این دوران و اربابان شان - سردمداران حکومت های ستم پیشه ای همچون آمریکا و اسرائیل و برخی دولت های غربی و اروپایی و حتی عربی سر سپرده استکبار جهانی - یزیدها و عمر بن سعد ها و شمرهای زمانه ما هستند که سزاوار شدیدترین لعن ها، نفرین ها و مقاومت و مبارزه بر علیه ایشان تا سرحد نابودی می باشند.

### ❧ خطر نداشتن روح جهاد

اهل بیت (علیهم السلام) و همه رهبران معصوم الهی در طول تاریخ بشریت، مصائب عظیم را تحمل کردند، تا حیات حقیقی با دین خدا حفظ شود. هرگاه حیات انسانی یا عامل آن یعنی دین خدا به خطر بیفتد، اهل دین و مؤمنان حقیقی، تمامی تلاش خود را برای نجات انسان ها به کار می گیرند.

کسانی که به دستور «جهاد» در اسلام انتقاد می کنند و آن را خشونت می دانند نه خود حیات انسانی دارند و نه از حیات

انسانی و ارزش آن خبری دارند. احمقانه‌ترین حرف و عقیده آن است که: «ما باید برای حیات طبیعی و دنیایی‌مان ارزش قائل باشیم و اگر چیزی آن را تهدید کرد، باید با آن مبارزه کرد و آن را نابود ساخت ولی اگر چیزی حیات انسانی انسان‌ها و سعادت ابدی آن‌ها را به خطر انداخت، مبارزه با آن خشونت است!»

همان‌طور که به خطر انداختن حیات طبیعی و حیوانی انسان و سایر موجودات و ضربه زدن به زندگی دنیایی مردم خشونت است، به خطر انداختن حیات انسانی و ابدی انسان‌ها و ضربه زدن به آن، خشونت، خیانت و ظلم است؛ ظلمی بالاتر و خطرناک‌تر از تهدید حیات طبیعی مردم.

آری! جهاد برای دفاع از دین و حفظ آن نه تنها امری انسانی، معقول و پسندیده است، بلکه امری واجب است که اگر روح آن در کسی وجود نداشته باشد، بدین معنا است که روح او فاقد مرتبه انسانی و از سعادت ابدی بسیار دور است.

نداشتن روح جهاد در واقع تأیید و تجویز هرگونه ظلم و جنایت است که با روح انسانی سازگار نیست. به همین دلیل،

رسول اکرم ﷺ و به تعبیر قرآن کریم برای همه عالمیان رحمت است، درباره کسی که روح جهاد ندارد، چنین می‌فرمایند:

«مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَغْزُ وَلَمْ يُحَدِّثْ نَفْسَهُ بِغَزْوٍ مَاتَ عَلَى شُعْبَةٍ مِنْ نِفَاقٍ؛ هر کسی بمیرد و در جنگ شرکت نکند و به فکر جنگ نباشد، بر شاخه‌ای از نفاق مرده است.»<sup>۱</sup>

به عبارت دیگر، چنین کسی مؤمن و انسان حقیقی نیست؛ زیرا جهاد است که سلامت دین و حیات و امنیت مردم را حفظ می‌کند و کسی که به فکر امنیت و سعادت دنیا و آخرت مردم نیست، نه انسان حقیقی است و نه مؤمن واقعی.

به همین دلیل معتقدیم عزاداری که روح انتقام از دشمنان امام حسین (علیه السلام) و به‌ویژه دشمنان حسین زمان یعنی مهدی موعود (علیه السلام) را ندارد، طبق فرمایش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نه تنها عزادار حقیقی و راستین نیست، بلکه گرفتار نوعی نفاق است.

## ◀ پیوند عزادار حقیقی با منتقم خون حسین (علیه السلام) در

### عملیات انتقام

پس از آنکه عزادار به این حقیقت دست یافت که انتقام حسین (علیه السلام) جز با آمدن منتقم اصلی و حاکمیت او بر جهان ممکن نیست، این معرفت و سوز دلی که از مصیبت عظیم بر وجودش حاکم شده، او را با تمام وجود به سوی وجود مقدس امام زمان (علیه السلام) متوجه می‌گرداند. دو عامل عاطفی و معرفتی که در وجود عزادار شدت و قدرت گرفته است، در او کششی مستمر به سوی وجود مقدس امام زمان (علیه السلام) ایجاد می‌کند.

این کشش مستمر موجب می‌شود تا عزادار که قبلاً در سایه معرفت، نسبت به جایگاه ائمه معصومین (علیهم السلام) در نظام خلقت و رابطه وجودی خود با آن‌ها، به حقایق دست یافته است، معرفت خود را نسبت به امام زمانش و وظیفه‌ای که در قبال او دارد، بیشتر کند. با تکمیل این معرفت که خود عامل عاطفی و محبت را افزایش می‌دهد، عزادار به یکی از مهمترین و بالاترین مقاماتی که ممکن است یک انسان به آن برسد، نایل می‌شود و آن مقام «انتظار» است.

در این مرتبه، عشق به مهدی موعود (علیه السلام) و روح خدمت به او، چنان وجود عزادار - که حالا دیگر «منتظر» شده است - را فرا می‌گیرد که دیگر هیچ انگیزه‌ای برای زنده ماندن و زندگی کردن، جز پیوند با او و کسب رضایت او که رضایت خداوند است، نخواهد داشت. او به این حقیقت دست می‌یابد که همه سختی‌ها و نکبت‌ها، و همه بی‌عدالتی‌ها و جنایاتی که جامعه

بشری به آن‌ها دچار گشته است، ناشی از غیبت این رهبر الهی و معصوم است.

او با علاقه و محبت ابدی که به خود و مردم جهان دارد و با محبت و عشق روز افزونی که به گل نرگس پیدا کرده است؛ همچنین با وجود مسئولیت و رسالت الهی که در قبال امام زمانش دارد، دست به کار شده، وارد مرحله «عمل و جهاد» می‌گردد اما عمل و جهاد او جهت‌دار و هدفمند است؛ او به این نتیجه درست رسیده است که عبادت و خدمت بدون جهت برای اسلام کافی نیست، بلکه همه عبادت‌ها و خدمت‌هایی که برای اسلام انجام می‌شود، همگی باید یک جهت داشته باشد و آن حرکت به سوی خلیفه و مظهر خداوند، و نیز پیوند ناگسستنی با او است.

او دیگر به یک سلسله اعمال خیر و صالح و نیز خدمت صرف نمی‌پردازد، بلکه همه اعمال خیر و صالح وی و همه خدماتی که به اسلام و مسلمین انجام می‌دهد، با یک روح خالص و یک جهت و هدف خاص همراه است و آن «روح انتظار» و «روح خدمت در انتظار» است.

از این لحظه به بعد هرگونه فعالیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، عبادی و عرفانی، فرهنگی و علمی که عزادار حقیقی و منتظر به آن‌ها می‌پردازد، همگی یک سو و یک جهت دارند و آن حرکت به سوی ظهور موعود و منجی جهان و استقرار حکومت جهانی او است.

هر فعالیتی که این جهت و این هدف را نداشته باشد، اتلاف استعدادهای فردی و اجتماعی و نیز خیانت به خداوند و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و نیز خیانت به اسلام و مسلمین است. دم از خدا و اسلام زدن، و مشغول کردن خود با یک سلسله کارهای مقدس و مذهبی، بدون در نظر گرفتن روح اسلام و حرکت در مسیر خلیفه و حجت خدا و ولی الله الاعظم (ارواحنا فداه)، مغرور

شدن و فریب خوردن از شیطان با صُور مقدس است.

❁ اسلامی که در آن حجت خدا و وظایفی که در قبال او به عهده داریم، مورد غفلت و فراموشی قرار گیرد، اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله نیست؛ بلکه اسلام آمریکایی و اسلام تحت ولایت شیطان است. اسلام تحت ولایت طاغوت‌ها و تحت ولایت شیطان است که موجب شده تا مردم قرن‌ها از امام زمان‌شان غفلت کنند و او را در تنهایی، آوارگی، مظلومیت، غربت، ترس و اضطراب، رها و طرد کنند.

### ❁ هشدار به خواص و مسئولان نظام

امام خمینی (رضوان الله علیه) که معمار اصلی انقلاب اسلامی است، درباره مأموریت اصلی انقلاب و خطر غفلت از این مأموریت چنین می‌فرماید:

«مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت (علیه السلام) است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولان را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند، منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آن‌ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند.»<sup>۱</sup>

آری! عزادار حقیقی هرگز در این خطرسازی بزرگ و خیانت سهمگین شریک نمی‌شود و نیز اجازه نخواهد داد که مسئولان



نظام دچار چنین خطر و خیانتی شوند. در نزد عزادار حقیقی یکی از ویژگی‌های اصلی مسئولان نظام، وفاداری به آرمان‌های امام امت و وفاداری به حضرت حجت (ارواحنا فداه) می‌باشد و در انتخاب هر یک از مسئولین نهایت دقت و هوشیاری را به کار می‌گیرد.

◀ ظهور امام زمان (علیه السلام) پایان همیشگی و قطعی مصیبت اعظم و آغاز حاکمیت متخصصان معصوم بر جهان

امام زمان (علیه السلام) وارث همه مظلومیت‌های سیزده معصوم دیگر، بلکه همه رهبران الهی در طول تاریخ است. او پایان دهنده به همه ظلم‌هایی است که در حق پدران پاکش و نیز مادر گرامی‌اش و همه مردم جهان شده است؛ چنانکه جدّ بزرگوارش حضرت امام صادق (علیه السلام) درباره‌اش چنین فرمودند:

«لَيُعَذِّبَنَّ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ وَلَدِي، فِي آخِرِ الزَّمَانِ يُطَالِبُ بِدِمَائِنَا؛ خداوند در آخرالزمان مردی از فرزندانم را برمی‌انگیزد که خون ما اهل بیت را مطالبه و قصاص می‌کند.»<sup>۲</sup>

با آمدن او همه مظلومیت‌ها، گمراهی‌ها، جهالت‌ها و غم‌ها جای خود را به عدالت، هدایت و رشد، عقلانیت و شادی و آرامش می‌دهند.

❁ با ظهور امام زمان (علیه السلام) که نابودی دشمنان خدا را در پی خواهد داشت، دوران نورانی و همیشگی حاکمیت دین خدا و متخصصان معصوم بر جهان آغاز خواهد شد.

آیا می‌توان ادعا کرد که محبّ اهل بیت (علیهم‌السلام) و عزادار حقیقی آنها هستیم در حالی که هیچ تلاشی برای حکومت آل محمد (علیهم‌السلام) و

۱. امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۲۱.

۲. مجلسی، بحار الانوار، جلد ۵۱، ص ۱۱۲.

وراثت مستضعفان بر زمین نکنیم و به مصیبت اعظم راضی باشیم؟

## ◀ گناه رضایت به مصیبت اعظم

گفته شد که دین خدا که همان توحید راستین است، تأمین‌کننده حیات انسانی ما است که بدون آن، مرده‌ای بیش نیستیم. امام و رهبر معصوم نیز که از سوی خداوند به‌عنوان مجری دین برگزیده شده، عامل حیات و بقای دین است. بدون امام، دینی نیست و بدون دین، حیاتی نیست.

در زیارت وارث کسانی که به مصیبت عظیمی که بر امام حسین (علیه السلام) وارد شده راضی باشند، مورد لعنت قرار گرفته‌اند. پس رضایت به مصیبت اعظم، جرم و جنایت بالاتری محسوب می‌شود و کسانی که به نبودن معصوم در رأس حاکمیت بر جامعه انسانی و محرومیت مردم از نور هدایت آن‌ها راضی باشند و غیرمعصوم را تأیید کنند و به دینی غیر از دین خدا رضایت دهند، ملعون‌تر و منفورتر هستند.

✽ عزادار حقیقی در سایه معرفتی که کسب کرده به خوبی می‌داند تا وقتی منتظر حقیقی، طالب ظهور امام‌زمان (علیه السلام) نباشد، عزادار حقیقی و جزو منتقمان امام حسین (علیه السلام) نیست بلکه بالاتر از آن به این نتیجه می‌رسد که اگر برای ظهور منتقم اصلی و برطرف شدن موانع ظهور عمل و تلاش نکند، به آن حضرت ظلم کرده است. تنها گذاشتن امام زمان (علیه السلام)، همان عمل مردم کوفه در تنها گذاشتن سیدالشهداء است.

بی‌قرار نبودن و دل‌تنگ نشدن برای حضرت، عین قهر و بی‌وفایی نسبت به ایشان است. بی‌وفایی شیعیان و فراموشی حضرت، همان عاملی است که امام زمان (علیه السلام) از آن شکایت‌ها و ناله‌ها دارد و همان عاملی است که تاکنون حضرت را در پس پرده غیبت نگه داشته است و جریان انتقام الهی از شهادت امام حسین (علیه السلام) و سایر معصومین (علیهم السلام) را به تأخیر انداخته است.

وجود مقدس حضرت صاحب الامر (علیه السلام) در نامه‌ای که حدود هزار سال پیش برای شیخ مفید (رحمة الله علیه) نوشته است، دو عامل و دو ضعف عمده شیعیان را موجب تأخیر در ظهور معرفی می‌نماید که عبارتند از: بی‌وفایی به حضرت و همدل نبودن برای برطرف کردن موانع ظهور.<sup>۱</sup> چنین شیعیانی از آن جهت که در انجام وظیفه‌ای که نسبت به امام زمان‌شان دارند، کوتاهی کرده‌اند، جزو آن دسته هستند که ایشان را آزار و اذیت کرده و می‌کنند و حضرت این‌گونه از دست آزارهای آنان شکایت می‌کند:

«قد آذانا جهلاء الشيعة وحمقائهم و من دينه جناح البعوضة  
أرجح منه؛ بدون شک، شیعیان جاهل و کم خردان آنها و کسانی  
که بال پشه از دین آنها محکم تر است، ما را آزار می دهند.»<sup>۲</sup>  
امام علی (علیه السلام) درباره تنهایی و مظلومیت امام زمان (علیه السلام) در  
میان شیعیانش می فرماید: «صاحب هذا الأمر الشريد الطريد  
الفريد الوحيد؛ صاحب این امر [امام زمان (علیه السلام)] آواره ی طرد  
شده تنهای یگانه است.»<sup>۲</sup>

مگر این کلمات درباره امام زمان ما و پدر آسمانی ما نیست؟  
مگر او حسین زمان ما نیست؟ آیا او هر روز فریاد نمی‌زند:

«هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي؟ آیا کسی هست که مرا یاری کند؟»  
 آیا نباید پاسخ این ندای هزار و صد ساله را بدهیم؟ اگر پاسخ  
 این فریاد کمک‌خواهی حضرت را ندهیم، مانند کسانی نیستیم  
 که حسین (علیه السلام) را تنها گذاشتند؟

مؤمن راستین و عزادار حقیقی کسی است که این ندا را با گوش جان بشنود و خود را با عشق و شور به چادر حضرت برساند. عزادار حقیقی از اینکه خود به مرحله پنجم عزاداری (عملیات انتقام) و خیمه حضرت رسیده،

۱. اگر شیعیان ما، که خداوند بر انجام طاعت موفقشان بدارد، در وفا کردن به عهد ما همدل بودند، مبارکی ملاقات ما از آن‌ها به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار همراه ما به سوی آن‌ها می‌شناخت. (مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶).

۲. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۳.

شاد و شاکر است، ولی این توفیق، او را راضی نمی‌کند. زیرا او هنوز امام زمان خویش را در غربت، تنهایی و مظلومیت می‌بیند و از این وضع دردمند است. او از کثرت دشمنان و کمی دوستان و عزاداران حقیقی در رنج است و به همین دلیل برای رفع تنهایی و غربت حضرت، مردانه قیام می‌کند. او سعی می‌کند تا دوستان و عزاداران دیگر را که در مراحل پایین مانده‌اند، یاری کند تا خود را به مرحله پنجم و خیمه حضرت برسانند، و از یاوران حضرت باشند.

عزادار حقیقی در این مرحله یکی از بزرگترین وظایف خویش را آگاه‌سازی دیگران نسبت به آوارگی و تنهایی و غربت حسین زمان می‌داند و در این کار فرهنگی از هیچ‌گونه جهاد فرهنگی، جانی و مالی دریغ نمی‌کند. برای او خدمتی مهم‌تر و شیرین‌تر از این نیست که دست فرزندان حضرت که از پدر و امام خویش دور مانده‌اند را به دست پدر آسمانی‌شان برساند. او می‌داند که این کار، او را به بیشترین قرب به امام زمان (علیه السلام) و به مقام محمودی که سال‌ها در زیارت عاشورا آرزوی آن را می‌کرد، خواهد رساند.

عزادار حقیقی هرگز نمی‌خواهد از کسانی باشد که امام زمان‌شان را اذیت می‌کنند و در جرم دشمنان حضرت که برای ظهورش مانع ایجاد نموده‌اند، شریک باشد. کوتاهی در شناخت حضرت و انجام وظایفی که نسبت به ایشان به عهده ماست، موجب می‌شود که ما هرگز تمنایی برای آمدن ایشان نداشته باشیم و تلاش و جهادی برای کنار زدن دشمنان و موانع ظهورش نکنیم و عملاً در زمره کسانی قرار گیریم که در کنار گذاردن امام (علیه السلام) از مرتبه و مقامی که خداوند برای ایشان خواسته است - حاکمیت بر جهان بشریت - شریک باشیم

و خدای ناکرده مشمول لعنت خدا قرار گیریم.

آری! اگر نخواهیم که امام زمان (علیه السلام) ظهور کند و برای ظهورش به جهاد و مبارزه نپردازیم، ملعون هستیم. اگر لحظه‌ای تأخیر در ظهور را بخواهیم و به وضعیتی غیر از حاکمیت امام زمان (علیه السلام) بر جامعه جهانی حتی برای یک ساعت راضی و به شرایطی غیر از شرایط حاکمیت ایشان دلخوش باشیم، ملعون خداوند و همه لعنت‌کنندگانی که زیارت عاشورا می‌خوانند و ملعون انبیاء الهی و همه فرشتگان الهی خواهیم بود؛ زیرا بزرگترین ظلم را به امام زمان (علیه السلام) کرده‌ایم.

## فهرست منابع

\* قرآن کریم.

۱. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، گیلان: انتشارات تابان، ۱۳۷۸.
۲. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳.ق.
۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴.ق.
۴. کلینی، یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.ش.
۵. صحیفه نور، (مجموعه بیانات حضرت امام خمینی رحمه الله)، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.
۶. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸.ق.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۲.

